



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشکده امام خمینی و انقلاب
اسلامی
وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار
امام خمینی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته
اندیشه سیاسی در اسلام

عنوان :

بررسی عوامل پیدایش و شکل‌گیری گفتمان‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر منصور انصاری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر یحیی فوزی

پژوهشگر:

آرش عابدینی

ماه / سال تحصیلی: خردادماه ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی و معنوی این پایان‌نامه متعلق به پژوهشکده می‌باشد.
چاپ پایان‌نامه و استخراج مقاله از پایان‌نامه باید به نام پژوهشکده، با
تأیید استاد راهنما و با مجوز معاونت پژوهشی باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به مهربان فرشتگانی که:

لحظات ناب بودن، لذت و غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت رسیدن و تمام تجربه‌های یکتا و زیبای زندگی، مدیون حضور سبز آنهاست.

تقدیم به مادر و پدر فداکارم، برادر و خواهر مهربانم امید و آرزو و همسر عزیزم مُنا غلامی

شماره: ۵۶۱۶۰۹۲۱۴

تاریخ: ۱۳۹۱/۳/۳۱

پیوست:



ژوئیه اسکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

باسمه تعالی

صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولیعصر (عج) و با درود و سلام به روان پاک حضرت امام خمینی (س) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشجوی رشته اندیشه سیاسی در اسلام

آقای آرش عابدینی

تحت عنوان: «بررسی عوامل شکل گیری و پیدایش گفتمان اصلاح طلبی و اصول گرایی در جمهوری اسلامی

ایران»

در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۳۰ با حضور هیأت داوران در پژوهشکده امام خمینی (س) برگزار گردید و به موجب آیین نامه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد، ارزشیابی هیأت داوران به شرح زیر تعیین گردید:

قبول با درجه امتیاز:
 دفاع مجدد مردود

قبول مشروط با درجه: (با اصلاح) امتیاز: مرجع تأیید نهایی:

شرح اصلاحات مورد نیاز:

۱-

۲-

توضیح: بنا به مصوبه کمیسیون تخصصی آموزش و پژوهش پژوهشکده امتیاز پایان نامه ها به شرح زیر مشخص میگردد:

۱۴ به بالا

الف) قابل قبول از

۱۶-۱۷/۹۹

۳- قبول با درجه خوب

۱۹-۲۰

۱- قبول با درجه عالی

۱۴-۱۵/۹۹

۴- قابل قبول

۱۸-۱۸/۹۹

۲- قبول با درجه بسیار خوب

کمتر از ۱۴

ب) مردود

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیأت داوران
	استاد	جناب آقای دکتر منصور انصاری	۱- استاد راهنما:
	دکتر	جناب آقای دکتر یحیی فوزی	۲- استاد مشاور:
	دکتر	جناب آقای دکتر سید صدرالدین موسوی	۳- استاد ناظر:
	دکتر	جناب آقای دکتر سید عبدالامیر نبوی	۴- استاد ناظر:

امضاء
مدیریت تحصیلات تکمیلی

امضاء
نماینده تحصیلات تکمیلی

امضاء
مدیر گروه

تهران: خیابان فردوسی شمالی، ابتدای خیابان شهید تقوی (کوشک) پلاک ۶۲، تلفن ۶۶۷۴۴۰۹۰-۲ و ۶۶۷۴۳۰۴۳-۷ نمایر: ۶۶۷۴۲۸۲۵ کد پستی: ۱۱۴۵۶۸۲۳۸

پست الکترونیک: info@ri-khomeini.com

وب سایت اینترنتی: www.ri-khomeini.com

تشکر و قدردانی

در اینجا برخورد فرض می بینم که از برخی عزیزانی که در این تحقیق مرا یاری کردند، تشکر و قدردانی به عمل بیاورم.

آقای دکتر منصور انصاری، استاد راهنمای که در بسیاری از موارد راهگشای پژوهش بودند.

آقای دکتر یحیی فوزی که در جریان تحقیق مورد مشورت بنده قرار داشتند و زمان زیادی را صرف این پژوهش نمودند.

آقایان دکتر سید صدرالدین موسوی و دکتر سید عبدالامیر نبوی که داوری پایان نامه را پذیرفته و در جهت تصحیح پایان نامه کمک های ارزشمندی به بنده داشتند.

و در نهایت

مسئولین و کارمندان پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی که با ایجاد فضای مناسب و همکاری در تمامی مراحل نگارش پایان نامه اینجانب را یاری رساندند.

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی: اندیشه سیاسی در اسلام
عنوان پایان نامه: بررسی عوامل پیدایش و شکل‌گیری گفتمان‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران
نام و نام خانوادگی دانشجو: آرش عابدینی
استاد راهنما: جناب آقای دکتر منصور انصاری
استاد مشاور: جناب آقای دکتر یحیی فوزی
تاریخ شروع پایان نامه: ۱۳۸۸/۱۲/۲۴
تاریخ اتمام پایان نامه: ۱۳۹۱/۰۳/۳۰
چکیده:
فارسی
<p>این پژوهش با هدف بررسی عوامل شکل‌گیری و پیدایش گفتمان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران به تجزیه و تحلیل برخی از متون خبری مطبوعات ایران با استفاده از تحلیل انتقادی گفتمان رویکرد نورمن فرکلاف پرداخته است. به همین دلیل در ابتدا به طور اجمالی به پیشینه پژوهش و رویکردهای مختلف علمی و پژوهشی حوزه‌ی مسائل ایران معاصر که از زوایای متفاوتی به این مسئله نگریسته‌اند می‌پردازیم. سپس با توضیح مشخصه‌های مختلف گفتمان و قلمروهای متناظر با آن در رویکردهای مختلف تحلیل گفتمان به شرح و بسط چارچوب نظری فرکلاف خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است تحلیل گفتمان انتقادی سیر تکوینی از تحلیل گفتمان در مطالعات زبان‌شناختی است. این سیر تکاملی از سطح توصیف صرف داده‌های زبانی فراتر رفته و فرآیندهای ایدئولوژیک و بافت‌های موقعیتی و بینامتنی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان را در کانون توجه خود قرار می‌دهد. بر همین اساس در فصلی مجزا به عوامل تاریخی مؤثر بر پیدایش گفتمان‌های دوگانه اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی توجه شده و روند پیدایش جریان‌های راست و چپ پیش از انتخابات دوم خرداد بررسی می‌گردد. رقابت‌های انتخاباتی و پیدایش و تطوّر گفتمان‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی در دوم خرداد موضوع فصلی دیگر از این تحقیق است که به توضیح تحولات ماههای پیش از انتخابات و متون تولید شده در این دوران می‌پردازد. همانطور که می‌دانیم رویکرد فرکلاف رابطه‌ای سه‌جانبه بین عناصر تشکیل‌دهنده متن و عوامل آن با دو فرآیند تولید و تفسیر از یک سو و شرایط اجتماعی تولید و شرایط اجتماعی تفسیر از سوی دیگر برقرار می‌کند. این مسئله باعث می‌گردد که تحلیل به سطح بنیادی‌تری حرکت کرده و علاوه بر توصیف و تفسیر، سطح تبیین را نیز شامل شود. مبتنی بر همین رویکرد در فصل چهارم به توصیف زبان‌شناختی سه حادثه‌ی (قتل‌های زنجیره‌ای، مسئله هسته‌ای و حوادث پس از کوی دانشگاه) به عنوان گره‌گاه‌های تعاملی پرداخته شده</p>

است. در فصل آخر نیز دو مرحله‌ی تفسیر و تبیین متون انجام خواهد شد، تا هرچه بیشتر آشکار گردد که متون تولید شده توسط دو گفتمان اصلاح‌طلبی و اصولگرایی، که در بخش توصیف مورد بررسی قرار گرفتند، از کدامین گفتمان‌ها و جریان‌ات فکری موجود در جامعه تأثیر پذیرفته و چگونه بر آن‌ها تأثیر گذاشته‌اند. که بخش تبیین را می‌توان به عنوان نتیجه‌گیری بحث در نظر گرفت.

لاتین

This paper has been performed with the aim of an examination of the factors for emerging reformism and conservatism disclose in Islamic Republic of Iran would analyze some of the paper text's of Iran with the use of critical disclose analysis approach of Norman Fairclough. For this reason in the beginning in brief we study the literature of the research and different scientific and research approaches in the field of the issues of contemporary Iran who has look upon the issue from different perspectives. Then with describing the different characteristics of disclose and its relevant domains in different approaches of disclose interpretation, we will describe and extend the theoretical framework of Fairclough. It is necessary to mention that critical disclose analysis is a developmental course of disclose analysis in linguistic studies. This developmental course go well beyond the mere description of linguistic data and put the ideological and situational context and inter-textual context effective on emerging disclose at its focal point of attention. Based on this in a separate chapter has focused on effective historical factors on emerging dual reformism and conservatism discloses and the emerging course of left and right streams prior to election of 2nd of Khordad have been studied. The competition of election campaigns and the emergence of reformism and conservatism in 2nd of Khordad is the topic of another chapter in this paper which explains the changes of months prior to election and written texts in this period. As we well know, Fairclough approach establishes a tree dimension relationship between the consisting elements of text and its interaction with the two processes of emergence and interpretation on one hand and the social circumstance of emergence and interpretation on the other hand. This has lead to move the interpretation into a more fundamental level and in addition to description and interpretation includes the level of explanation. Based on the same approach; chapter four deals with describing the linguistic of three events (serial murders, nuclear issue and the post-events of University alley (Koye Daneshgah) as interactional cruxes. In the last chapter also the two stages of interpretation and explanation of texts will be done, so that it can be determined that the emerged tests by two discloses of reformism and conservatism, which were examined in the section of description, have taken influence from which discloses and existing

intellectual streams and movements of the society and how they have influenced them. The section of explanation can be considered as the conclusion of the discussion

عربي

يتطرق هذا البحث إلى دراسة بواعث تطوير و ظهور خطاب الإصلاحية و الأصولية في الجمهورية الإسلامية الإيرانية بالنظر إلى تحليل و دراسة قسم من النصوص الخيرية في الجرائد الإيرانية مستخدماً أسلوب الدراسة النقدية للخطاب وفقاً لرؤية نورمن فركلاف. على هذا تطرقنا من البداية تفصيلاً إلى سابقة البحث و الجهات العلمية و البحثية المختلفة حول قضايا إيران المعاصرة من النواحي المختلفة. ثم نتطرق إلى شرح الإطار النظري لنظرية فركلاف عبر تبين خصائص الخطاب المختلفة و الأطر المتعددة و المتضاربة معه في الجهات المختلفة لتحليل الخطاب. يجدر الإشارة إلى أنّ تحليل الخطاب النقدي يعتبر تطويراً لتحليل الخطاب في الدراسات اللسانية. يعبر هذا المستوى التطويري من المستوى التوصيفي البحث للمعلومات و المعطيات اللسانية و يركز على العملية الإيدولوجية و الأنسجة الظرفية و التناسية المؤثرة على ظهور الخطاب. على هذا قد ركّز في بابين على العوامل التاريخية المؤثرة في ظهور الخطاب المتضادة منه الإصلاحية و الأصولية و بحث عن مسيرة ظهور الجناح اليميني و اليسار بعد عملية الانتخاب الرئاسي في الثاني من خرداد سنة ٧٦ ش . المنافسات الانتخابية و ظهور و تطوير الخطابات الإصلاحية و الأصولية في الثاني من خرداد موضوع لباب آخر من هذا البحث و الذي يقوم بدراسة التحولات الشهور المنتهية إلى الانتخاب الرئاسية و النصوص المنتجة في هذه الفترة. كما نعلم تعقد وجهة نظر فركلاف العلاقة الثلاثية بين العناصر التي تكون النصّ و علاقته مع عملية الإنتاج و التفسير من جهة و الظروف الاجتماعية للإنتاج و الظروف الاجتماعية للتفسير من جهة أخرى. يؤدي هذا الأمر إلى أن تسير الحركة نحو مستوى أكثر جذرياً و يشمل المستوى التبيين علاوة على التوصيف و التفسير. على هذه الوجهة قد بحث في الفصل الرابع التوصيف اللسانية لثلاثة حوادث و هي (القتل المسلسلة، القضية النووية، و الحوادث التي وقعت بعد الهجوم على الحي الجامعي) كالعقد التعميلية. و في الفصل الأخير نقوم على تفسير النصوص و تبينها، حتى يظهر أكثر أنّ النصوص الإنتاجية من قبل الخطاب الإصلاحية و الأصولية و التي قد بحثت في قسم التوصيف تتأثر بأيّ الخطابات و الجهات الفكرية الموجودة في المجتمع و كيف قد أثر عليها. و الذي يمكن أن نعتبر قسم التبيين كنتيجة للبحث.

پژوهشکده امام خمینی^س و انقلاب اسلامی

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول - کلیات و ابعاد نظری	۷
فصل دوم - بررسی تاریخی پیدایش جریان‌های راست و چپ پیش از دوم خرداد	۴۵
فصل سوم - رقابت‌های انتخاباتی و پیدایش و تطور گفتمان‌های اصلاح طلبی و اصول‌گرایی	۷۵
فصل چهارم - توصیف متون	۱۰۵
فصل پنجم - تفسیر و تبیین	۲۰۳
نتیجه‌گیری	۲۱۷

فهرست تفصیلی

مقدمه	۱
فصل اول - کلیات و ابعاد نظری	۷
۱-۱ درآمد	۷
۲-۱ پیشینه‌ی تحلیل‌های گفتمانی و غیرگفتمانی در ایران	۹
۱-۲-۱ تحلیل‌های غیرگفتمانی	۹
۲-۲-۱ تحلیل‌های گفتمانی و زبان‌شناختی	۱۷
۳-۱ تحلیل محتوا	۱۷
۴-۱ کلیاتی پیرامون نظریه گفتمان	۲۱
۵-۱ چهارچوب نظری فرکلاف و کاربرست عملی آن	۲۸
۱-۵-۱ کاربرست عملی رویکرد فرکلاف	۳۵
۱-۱-۵-۱ توصیف	۳۶
۲-۱-۵-۱ تفسیر	۳۹
۱-۲-۱-۵-۱ تفسیر زمینه‌ی متن	۴۲
۳-۱-۵-۱ تبیین	۴۳
فصل دوم - بررسی تاریخی پیدایش جریان‌های راست و چپ پیش از دوم خرداد	۴۵
۱-۲ مجلس دوم و آغاز تکثر سیاسی	۴۵
۲-۲ کابینه‌ی میرحسین موسوی	۴۹
۳-۲ انتخابات چهارمین دوره‌ی ریاست جمهوری و قضیه‌ی ۹۹ نفر	۵۰
۴-۲ ادامه‌ی اختلافات در مجلس و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت	۵۵

- ۵۶-۲ تشدید اختلافات در سومین دوره‌ی مجلس..... ۵۶
- ۶۰-۲ انشعاب مجمع روحانیون از جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران..... ۶۰
- ۶۳-۲ افول جناح چپ..... ۶۳
- ۶۴-۲ جا به جایی قدرت بین سال‌های (۱۳۷۶-۱۳۶۸)..... ۶۴
- ۶۶-۲ انتخابات دوره‌ی چهارم مجلس..... ۶۶
- ۶۸-۲ انتخابات دوره‌ی ششم ریاست جمهوری..... ۶۸
- فصل سوم- رقابت‌های انتخاباتی و پیدایش و تطوّر گفتمان‌های اصلاح طلبی و اصول‌گرایی..... ۷۵**
- ۷۶-۳ دوم خرداد تولد دو گفتمان..... ۷۶
- ۷۶-۳ تحولات پیش از انتخابات دوم خرداد..... ۷۶
- ۸۲-۳ ورود خاتمی به رقابت‌های انتخاباتی..... ۸۲
- ۹۶-۳ حضور خاتمی در انتخابات..... ۹۶
- فصل چهارم- توصیف متون..... ۱۰۵**
- ۴- بررسی توصیفی برخی متون تولید شده توسط مطبوعات اصلاح‌طلب و اصول‌گرا در باب بعضی وقایع مهم بعد از دوم خرداد ۱۰۵
- ۴-۱-۱ بررسی توصیفی متون تولید شده در مورد تهاجم فرهنگی ۱۰۵
- ۴-۱-۲ توصیف یادداشت «ضد کودتا» در روزنامه‌ی کیهان..... ۱۰۹
- ۴-۱-۳ قتل فروهرها و پوشش خبری این رویداد..... ۱۲۱
- ۴-۱-۴ توصیف نمونه‌ای از روزنامه‌ی وابسته به گفتمان اصلاحات (روزنامه‌ی ایران)..... ۱۲۲
- ۴-۱-۵ مقایسه‌ی خبر قتل فروهرها در سه روزنامه‌ی وابسته به گفتمان اصلاحات (ایران، همشهری و سلام)..... ۱۲۷
- ۴-۱-۵-۱ روزنامه سلام..... ۱۲۸
- ۴-۱-۵-۲ روزنامه‌ی همشهری..... ۱۲۸
- ۴-۱-۶ توصیف متن خبر روزنامه‌ی کیهان (روزنامه‌ی اصول‌گرا)..... ۱۲۹
- ۶-۱-۷ مقایسه‌ی خبر قتل فروهرها در دو روزنامه‌ی کیهان و رسالت..... ۱۳۴
- ۶-۱-۸ جهت‌گیری روزنامه‌های محافظه‌کار و اصلاح‌طلب در مورد قتل‌ها..... ۱۳۵
- ۶-۱-۸-۱ روزنامه‌های اصلاح‌طلب..... ۱۴۴
- ۶-۱-۸-۲ روزنامه‌های اصول‌گرا..... ۱۴۸
- ۴-۲ توصیف جدال رسانه‌ای پس از حادثه‌ی کوی دانشگاه..... ۱۴۳
- ۴-۲-۱ شکل‌گیری واقعه‌ی کوی دانشگاه..... ۱۴۳

۲-۲-۴ بررسی تیترها.....	۱۴۸
۱-۲-۲-۴ روزنامه‌ی اصول‌گرا (کیهان) از ۲۳ تیرماه تا ۹ مردادماه ۱۳۷۹.....	۱۴۸
۲-۲-۲-۴ روزنامه‌ی اصلاح‌طلب (روزنامه‌ی ایران) از ۲۳ تیرماه تا ۹ مردادماه	
.....	۱۶۳
۳-۲-۴ توصیف متن خبری روزنامه‌ی ایران در مورد عملکرد روزنامه‌ی کیهان پس از	
حادثه‌ی کوی دانشگاه.....	۱۵۹
۴-۲-۴ توصیف متن خبری روزنامه‌ی کیهان در جریان جدال رسانه‌ای پس از کوی	
دانشگاه.....	۱۷۰
۳-۴ بررسی توصیفی نزاع بر سر پیوستن ایران به پروتکل الحاقی.....	۱۷۹
۱-۳-۴ توصیف متون گفتمان اصول‌گرا.....	۱۸۲
۱-۱-۳-۴ تیتر روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در جریان پیوستن ایران به پروتکل	
الحاقی.....	۱۸۲
۲-۱-۳-۴ توصیف سرمقاله‌ی روزنامه‌ی جمهوری اسلامی با عنوان «زیر بار این ننگ	
نروید!».....	۱۸۳
۲-۳-۴ توصیف متون روزنامه‌ی همگرا با اصلاحات در مورد پروتکل الحاقی (روزنامه‌ی	
یاس نو).....	۱۹۲
فصل پنجم - تفسیر و تبیین.....	۲۰۳
۱-۵ تفسیر.....	۲۰۳
۲-۵ تبیین.....	۲۱۶
نتیجه‌گیری.....	۲۱۷
منابع.....	۲۲۳

مقدمه

در حال حاضر دو گفتمان سیاسی اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در میدان سیاسی جمهوری اسلامی ایران فعال هستند و رقابت اصلی بین این دو گفتمان وجود دارد. در خصوص علل پیدایش این دوگانه‌ی اصول‌گرایی-اصلاح‌طلبی رویکردهای مختلف علمی و پژوهشگران حوزه‌ی مسائل ایران معاصر دیدگاه‌های متفاوتی را ارائه داده‌اند که بعضاً این رویکردها از زوایای متفاوتی به مسئله نگریسته‌اند. در کل، این رویکردها را می‌توان به دو طیف غیر گفتمانی و گفتمانی (زبان‌شناختی) تقسیم کرد.

از نظریاتی که در طیف غیر گفتمانی جای می‌گیرند در این پژوهش به نظریات تاریخ‌گرایی، جامعه‌شناختی و جامعه‌شناسی تاریخی اشاره خواهیم کرد؛ و در نظریات زبان‌شناختی به بررسی تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان خواهیم پرداخت. البته هرکدام از این رویکردها شامل برداشت‌ها و دیدگاه‌های مختلفی نسبت به دوم خرداد هستند که به صورت اجمالی بررسی خواهند شد.

همان‌طور که می‌دانیم گفتمان‌ها هم سازنده و هم بر ساخته‌اند. گفتمان، کاربرد زبان بسان کردار اجتماعی است که در رابطه‌ی دیالکتیکی با ابعاد اجتماعی دیگر، نه تنها در تولید و باز تولید ساختار اجتماعی، نقشی بر عهده دارد، بلکه چون آینه‌ای تمام‌نما منعکس‌کننده‌ی جامعه‌ی چه در بعد روند تحولات تاریخی آن و چه روند تحولات اندیشه‌ای آن می‌باشد. البته گفتمان‌ها در خلأ شکل نمی‌گیرند، بلکه در فضایی از باورها و معانی نظام‌مند و در بستر و درون یک جامعه به وجود می‌آیند. مبتنی بر این دیدگاه فرض اصلی این پژوهش این است که، دو عرصه‌ی اساسی و متفاوت که گفتمان‌ها درون آن رشد پیدا می‌کنند، یکی «فرهنگ» و دیگری «ایدئولوژی» است. مفاهیم موجود در گفتمان‌ها بر اساس اینکه گفتمان مذکور در کدام فضا متبلور شده است تبارشناسی می‌شوند.

بر همین اساس هویت‌سازی صورت گرفته در گفتمان اصول‌گرا بر اساس مفهوم بیگانه‌ستیزی در فضای «ایدئولوژی» معنی یافته در صورتی که گفتمان اصلاح‌طلبی غیریت‌سازی خود را در چارچوب گفتمان اسلامی، در فضای «فرهنگ» سامان می‌دهد. رقابت موجود میان این دو گفتمان از

سویی و فضای فرهنگی و ایدئولوژیک از سوی دیگر به شکل گیری، مفهوم سازی و توسعه‌ی این دو گفتمان کمکی شایان نموده است.

در سوی دیگر تعارض میان این دو گفتمان بیش‌تر از آن که ریشه در قرائت‌های متفاوت از دیدگاه رهبری انقلاب و اندیشه‌های او و یا در تضاد میان سنت و تجدد داشته باشد، ریشه در فضاهای متفاوت شکل‌گیری و عرصه‌ی رقابت این دو گفتمان دارد. با توجه به آنچه که گفته شد این پژوهش بر آن است با تکیه بر نظریات گفتمانی اثبات نماید دوگانه اصلاح‌طلبی-اصولگرایی در پی یک رقابت گفتمانی در دو فضای فرهنگی و ایدئولوژیک شکل یافته‌اند.

بر همین اساس پرسش اصلی این پژوهش در مورد عوامل پیدایش این دو گفتمان بوده و سعی می‌شود در کنار آن به بسیاری از پرسش‌های فرعی پاسخ داده شود.

سؤال اصلی عبارت است از:

عوامل پیدایش گفتمان‌های دوگانه‌ی اصلاح‌طلبی-اصولگرایی چیست؟

و سؤال‌ها فرعی:

- چرا از میان انتخاب‌های متنوع و متعددی که برای تولید‌کننده متون گفتمان وجود دارد، از واژه‌ها، عبارات و ساختارهای خاصی استفاده می‌شود؟

- چه رابطه‌ای بین زیر بنای فکری تولید‌کننده‌ی متن با عناصر تشکیل دهنده‌ی آن وجود دارد؟

- این دو گفتمان چه نظام معنایی را ایجاد کرده‌اند و این نظام معنایی طی زمان چه تحولاتی را پشت سر گذارده است؟

- گفتمان به چه معنا است؟

- اصولگرایی چیست؟

- اصلاح‌طلبی چیست؟

ضرورت و اهمیت این پژوهش به لحاظ دو بعد عملی و نظری قابل توجه است. شکل‌گیری گفتمان‌های سیاسی اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی ذهن بسیاری از پژوهشگران را به خود مشغول ساخته است که بستری مناسب را در راستای نظریه پردازی در این باب فراهم ساخته. گرچه این رویکردها زوایای مختلف این پدیده را روشن ساخته‌اند اما این پژوهش در تلاش است با دیدگاهی گفتمانی مبتنی بر بعد فرهنگی گامی ناچیز، به سوی روشن‌تر شدن این پدیده برداشته و زاویه‌ای دیگر را ترسیم نماید.

همان‌طور که می‌دانیم تولد این دو گفتمان نقطه‌ی عطفی مهم در تاریخ معاصر ایران می‌باشد که تحولات عمده‌ای را با خود به همراه داشته، تحولاتی که صحنه گردان آن دو گفتمان رقیب می‌باشند

که سرنوشت هرکدام گویا با سرنوشت تاریخ ایران گره خورده است. گرچه این پدیده از زوایای گوناگون مورد کنکاش قرار گرفته است، اما تحولات اخیر شاهدهی بر پنهان ماندن حقایقی دارد که ضرورت انجام این پژوهش را توجیه می‌نماید. گویا آینده انقلاب اسلامی همچنان آستان حوادثی مهم خواهد بود.

تحقیق حاضر با استفاده از راهکارهای ارائه شده در تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد نورمن فرکلاف، به تجزیه و تحلیل برخی از متون خبری مطبوعات ایران می‌پردازد. روزنامه‌ها به دلیل وابستگی‌های ایدئولوژیک خود از زوایای فکری گوناگون به تحولات جاری در انقلاب اسلامی می‌نگرند و در انعکاس و برجسته سازی این تحولات و رویدادها به شیوه‌های مختلف عمل می‌کنند. برخی دیدگاه‌های انتقادی مطرح در زبان‌شناسی، فعالیت‌های خبری روزنامه‌ها را جزء فعالیت‌های ایدئولوژیک آن‌ها می‌دانند. برخی دیگر نیز، انعکاس رویدادها را نوعی دست‌کاری، بازسازی و تصرف ماهرانه می‌پندارند. نهادهای مطبوعاتی نیز بر این باورند که بی‌طرفانه اخبار، رویدادها و وقایع را منعکس می‌کنند. در حالی که، بسیاری از اندیشمندان معتقدند، زبان به هر شکلی که به کار رود تحت تأثیر باورها، ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های مورد نظر تولید کننده متن قرار می‌گیرد و رابطه‌ای میان زیر بنای فکری تولید کننده‌ی متن با عناصر تشکیل دهنده‌ی آن به وجود می‌آید.

تحلیل گفتمان انتقادی با پی‌گیری این روابط در جهت مخالف دیدگاهی پیش می‌رود که معتقد است: زبان همانند آینه‌ای شفاف، مفاهیم، اندیشه‌ها، وقایع و رویدادها را همان گونه که هستند، نشان می‌دهد. تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد فرکلاف با بهره‌گیری از برداشت‌های فوکوئی رابطه‌ای سه جانبه بین عناصر تشکیل دهنده متن و تعامل آن با دو فرآیند تولید و تعبیر از یک سو و شرایط اجتماعی تولید و شرایط اجتماعی تعبیر از سوی دیگر، بر قرار می‌کند. سپس تحلیل‌گر را به سطح بنیادی‌تری رهنمون می‌سازد که علاوه بر توصیف و تفسیر، به سطح تبیین نیز دست یابد.

بر همین اساس است که فرض اصلی این پژوهش ریشه ظهور و عوامل پیدایش دو گفتمان اصول‌گرایی و اصلاح طلبی را در فضای متفاوت شکل‌گیری و عرصه‌ی رقابت‌های گفتمانی جستجو می‌نماید و بر این باور است که کردار گفتمانی تولیدکنندگان و مفسران متون وابسته به این دو گفتمان به ماهیت کردار اجتماعی-فرهنگی بستگی دارد و این ویژگی‌ها در متن‌هایی که نسبتاً ناهمگونند متجلی می‌شود. این ناهمگونی متون ویژگی منحصر به فرد دوره‌ها و حوزه‌های تغییرات حاد اجتماعی و فرهنگی در ایران است. با تکیه بر آنچه که آمد می‌توان فرضیه‌ی اصلی و رقیب این پژوهش را این‌چنین بیان داشت:

فرضیه‌ی اصلی:

ریشه ظهور و عوامل پیدایش دو گفتمان اصولگرایی و اصلاح طلبی را باید در فضای متفاوت شکل گیری و عرصه رقابت های گفتمانی جستجو نمود.

فرضیه ی رقیب:

عوامل عمده پیدایش دو گفتمان اصلاح طلبی و اصول گرایی ریشه در قرائت های متفاوت از رهبر انقلاب و تضاد میان سنت و تجدد دارد.

دیگر پیش فرض های این تحقیق عبارتند از:

- گفتمان ها در رقابت با یکدیگر شکل می گیرند.

- گفتمان ها هم سازنده و هم بر ساخته هستند.

- گفتمان ها در دو عرصه متفاوت فرهنگ و ایدئولوژی رشد می یابند.

در اینجا برای روشن تر شدن موضع این پژوهش به صورت اجمالی به تعریف مفاهیم اصلی و عملیاتی کردن آن ها می پردازیم و طی بحث این تعاریف را را عمق می بخشیم. مفاهیمی از قبیل «گفتمان»، «عرصه رقابت های گفتمانی»، «گفتمان اصولگرایی» و در نهایت «گفتمان اصلاح طلبی»

گفتمان

پدیده ای است محصول عمل مفصل بندی که در پی غیریت سازی، به صورت کلیتی ساختارمند متولد شده و می توان آن ها را به عنوان شبکه ای نظام مند از معانی در نظر گرفت که در آن ها نشانه ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند هویت و معنا می یابند. گفتمان ها محصول رقابت، هم سازنده و هم بر ساخته بوده و در شکل دادن فهم ما از واقعیت و جهان نقشی موثر داشته و در تلاشی دائمی سعی بر حفظ استیلای خود در عرصه رقابت گفتمانی دارند.

عرصه رقابت های گفتمانی

تحلیل گفتمان، زبان را عرصه ی بازی تمایزها دانسته که در آن تولید، باز تولید و تغییر معنا اعمالی سیاسی دانسته می شوند و همان طور که می دانیم سیاست سامان دهی جامعه را بر عهده دارد. آنچه که به عنوان عرصه ی رقابت های گفتمانی از آن یاد می شود فضایی است که در آن منازعه ای دائمی میان گفتمان ها برای تثبیت خویش و غلبه بر سایرین جریان دارد. از این رو است که گفتمان های مختلف بر سر سامان دهی جامعه به شیوه خاص خویش با هم به رقابت و مبارزه بر می خیزند؛ و ما در جایی که گفتمان ها با هم برخورد می کنند از یک سو شاهد غیریت سازی و از سوی دیگر شاهد خلق معنا هستیم.

گفتمان اصول‌گرایی

گفتمان اصول‌گرایی یکی از گفتمان‌های حاضر در عرصه‌ی رقابت‌های سیاسی در جمهوری اسلامی می‌باشد که همواره در تلاش است با قرائتی خاص، شرع را در کنار عقل قرار داده و با قرار دادن ولایت فقیه به عنوان دال مرکزی خود به مفصل‌بندی اندیشه‌ای حول این مرکز پردازد. این گفتمان در دو دوره تاریخی غیریت‌سازی خود را یک بار در مقابل غرب و در فردای دوم خرداد در عرصه‌ی رقابت با گفتمان اصلاح طلبی سامان داده است و با افزودن دال‌هایی همچون عدالت، روحانیت و ارزش‌ها به باز تعریف و مفصل‌بندی دوباره پرداخته است.

گفتمان اصلاح طلبی

گفتمان اصلاح‌طلبی به شیوه‌ی امروزی یک رویداد سیاسی است که در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ متولد شد. این گفتمان برای این که، اقبال عمومی مردم را با خویش همراه سازد، برخی از اصولی که به خاطر شرایط ویژه سال‌های نخستین انقلاب و دوران دفاع مقدس و پس از آن کمتر بدان توجه می‌شد را از دل شعارهای انقلابی و اسلامی بیرون کشیده و با قرار دادن مردم به عنوان دال مرکزی به سامان دهی خود در مقابل گفتمان اصول‌گرایی پرداخته است. در طی تحول نظام معنایی در گفتمان اصلاح طلبی قانون، آزادی، جامعه مدنی و... به عنوان دال‌های اصلی این گفتمان مطرح گردیده است.

بر اساس آنچه که آمد محتوای این نوشتار در یک مقدمه و پنج فصل سازماندهی شده است. این فصول منطبق بر شیوه‌ی سه مرحله‌ای رویکرد فرکلافی بوده که در فصل اول، چارچوب نظری و رویکرد عملی آن شرح داده خواهد شد. فصل دوم تلاشی است اجمالی در جهت بررسی ریشه‌های تاریخی و تاریخ جریان‌های سیاسی در جمهوری اسلامی پیش از دوم خرداد. فصل سوم به بررسی تطور و پیدایش دو گفتمان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی در دوران رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری که منتهی به دوم خرداد شد پرداخته است؛ و فصول چهارم، پنجم و ششم به ترتیب بر اساس رویکرد مطرح شده به توصیف، تفسیر و تبیین متون تولید شده توسط این دو گفتمان از بُعد زبان‌شناختی پرداخته و نشان می‌دهد که متون به کدام ذخایر و منابع موجود در زمینه وابستگی دارند یا به آن تمسک جسته‌اند. لازم به ذکر است، فصل چهارم به توصیف سه حادثه‌ی مهم که به عنوان گره‌گاه‌های تعاملی، بیشترین متون تولید شده را بعد از دوم خرداد به خود اختصاص داده‌اند پرداخته است. این سه حادثه عبارتند از «جدال رسانه‌ای پس از حادثه‌ی کوی دانشگاه»، «قتل‌های زنجیره‌ای» و در آخر «جریان پیوستن ایران به پروتکل الحاقی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای». فصل پنجم

دارای دو بخش می‌باشد در بخش اول به بررسی عرصه‌ی رقابت و دیالکتیک در فضای گفتمانی جامعه‌ی ایران پرداخته و پیش از ورود به سطح تبیین چهار مفهوم محوری «رخداد‌های ارتباطی و نظم گفتمانی»، «بافت موقعیتی»، «میان‌متنیت» و «میان‌گفتمانیت» مربوط به دو گفتمان اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در فضای سیاسی جمهوری اسلامی را مورد کنکاش قرار می‌دهد. این فصل می‌تواند زمینه را برای ورود به سطح تبیین فراهم نموده و ما را در شناخت دقیق‌تر عوامل پیدایش این دو گفتمان کمک نماید؛ و سرانجام در بخش دوم از فصل پنجم یعنی تبیین، متن به عنوان بخشی از یک فرآیند فعالیت اجتماعی محسوب شده و سعی می‌شود از شبکه‌ی معنایی متون خارج شده و با تکیه بر زمینه یا بستر اجتماعی به تحلیل متون پردازیم. همچنین این بخش در پی بیان چگونگی تعیین و تأثیرپذیری گفتمان‌ها توسط ساختارهای اجتماعی و تأثیرات فزاینده‌ی آن‌ها در باز تولید ساختارها می‌باشد که می‌توان آن را به عنوان نتیجه‌گیری این پژوهش به حساب آورد.

فصل اول

کلیات و ابعاد نظری

درآمد

نقطه‌ی عطف دوم خرداد، آنچه که گذشته‌ی سیاسی ما را رقم زده، اکنون ما را می‌سازد و آینده‌ی سیاسی ایران در سیطره‌ی آن است، خود متأثر از زبان، عوامل ذهنی یا افکار و تصوراتی است که نقش کلیدی در نمایان ساختن پویایی‌ها و تحولات سیاسی دارند، زیرا دگرگونی در سیاست اغلب در پی دگرگونی در افکار و تصورات شکل می‌گیرد. در دوم خرداد این دگرگونی در افکار و تصورات، توانایی سازماندهی و هماهنگی علائق و ترجیحات اجتماعی‌ای را به وجود آورد که نقشی بسیار مهم در شتاب بخشیدن به آهنگ تغییر دادن روندهای موجود و ایجاد افق‌های تازه‌ی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشت. از این منظر انتخابات دوم خرداد چیزی جز عرصه‌ی رویارویی دو الگوی گفتاری متعارض و رقیب نیست که در آن، گفتمانی در راستای محدود و محصور کردن اصلاحات نهادی و تغییرات گام بر می‌دارد و گفتمان دیگر مسیر معکوس را می‌پیماید.

آنچه که گفته شد تصویر فشرده و مُلَخَّص از آن چیزی است که این فصل در پی تدارک چارچوب نظری مناسب برای تحلیل آن می‌باشد. در اصل پاسخ به این پرسش اساسی که چه عواملی در پیدایش و تطوّر گفتمان‌های دوگانه اصلاح طلبی و اصولگرایی نقشی محوری دارند، البته لازمه‌ی پاسخ به این پرسش این است که بدانیم گفتمان‌های مورد نظر به کدامین فرآیندهای نهادی و اجتماعی تعلق دارند. به همین دلیل در اینجا رویکرد انتقادی-گفتمانی مورد استفاده قرار خواهد گرفت که مشخص سازد؛ چگونه گفتمان‌ها مبتنی بر معانی، مفاهیم^۱، مقولات^۲ و متون^۳ تولید و

¹ Concepts

² Categories

³ Text

مصرف شده از حیث ایدئولوژیک تعیین پذیرفته و متقابلاً چگونه عناصر حوزه‌ی ایدئولوژیک را تعیین می‌کنند.

حال چنانچه «کردارهای گفتمانی^۱» صورت پذیرفته توسط این دو گفتمان را نوعی از «کردار اجتماعی^۲» به شمار آوریم، این کردارها می‌توانند به ساختن جهان اجتماعی‌ای که حاوی هویت‌ها و روابط اجتماعی می‌باشد کمک کنند. زیرا بخشی از باز تولید اجتماعی و فرهنگی و تغییر در آن‌ها از طریق این کردارها در زندگی روزمره محقق می‌شوند.^۳

بر این اساس گفتمان گونه‌ای از کردار اجتماعی است که هم جهان اجتماعی را می‌سازد و هم ساخته‌ی دیگر کردارهای اجتماعی است. کردار گفتمانی به نوعی تحت تأثیر نیروهای اجتماعی قرار دارد که صرفاً خصلتی گفتمانی ندارند (برای مثال ساختار نظام سیاسی و ساختار نهادی رسانه^۴). نتیجه‌ی این ادعا این است که برخی از پدیده‌های اجتماعی خصلتی زبانی-گفتمانی دارند و برخی دیگر دارای چنین خصلتی نمی‌باشند. این ادعا را می‌توان یکی از پیش فرض‌های مهم این پژوهش به حساب آورد.

برای روشن‌تر شدن هدف این پژوهش و چرایی استفاده از رویکرد «تحلیل انتقادی گفتمان^۵»، پیش از بررسی چارچوب نظری فرکلاف^۶ و کاربست عملی آن، به صورت اجمالی به روش‌های تحلیلی و رویکردهای علمی‌ای که توسط پژوهشگران مختلف در باب مسائل ایران مورد استفاده قرار گرفته می‌پردازیم. با تکیه بر این مقابله و مقایسه سعی می‌کنیم نقاط قوت و ضعف تحلیل انتقادی گفتمان را نمایان ساخته و آن را با هدف نهایی پژوهش منطبق نماییم. در کل، این رویکردها را می‌توان به دو طیف غیر گفتمانی و گفتمانی (زبان‌شناختی) تقسیم کرد. از نظریاتی که در طیف غیر گفتمانی جای می‌گیرند، به نظریات تاریخ‌گرایی، جامعه‌شناختی و جامعه‌شناسی تاریخی اشاره می‌شود؛ و در نظریات زبان‌شناختی به تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان پرداخته و نقاط ضعف آن‌ها را در مقابل رویکرد انتقادی فرکلاف بیان خواهیم کرد.

¹ Discursive practice

² Social practice

^۳ ماریان یورگنسن و لوئیز فیلیپس، تحلیل گفتمان، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰.

^۴ سیدعلی اصغر سلطانی، قدرت، گفتمان و زبان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴، ص ۵۲.

⁵ Critical discourse analysis (CDA)

⁶ Norman Fairclough

پیشینه‌ی تحلیل‌های گفتمانی و غیر گفتمانی در ایران

تحلیل‌های غیر گفتمانی

از جمله رویکردهای غیر گفتمانی که بسیاری از اندیشمندان علوم سیاسی آن را مورد استفاده و مبنای کار خود قرار داده‌اند، روش تاریخ‌گرایی است. قدمت این روش بسیار زیاد بوده و به همین دلیل طرفداران زیادی در ایران داشته و ما شاهد پژوهش‌های گوناگونی از دوران‌های مختلف تاریخ ایران که بر اساس این رویکرد صورت پذیرفته می‌باشیم. پژوهش‌هایی که از تحلیل‌های فلسفی جریان‌های اندیشه‌ی سیاسی تا تحلیل‌های توصیفی از جناح‌ها و احزاب سیاسی ایران معاصر را شامل می‌شود.

تاریخ‌گرایی دارای دو معنا و تعریف متفاوت است. در تعریف اول به معنای مسیر مشخص تاریخ، مبتنی بر قوانینی خاص می‌باشد که آن را باید از معنای زمانمند و مکانمند بودن فهم‌ها و دانش‌ها که ویژگی تعریف دوم از تاریخ‌گرایی است تمیز داد. معنای دوم نزد دیلتای^۱ و هایدگر^۲، با هرمنوتیک^۳ پیوند دارد و در مفهوم «تاریخیت»^۴ نمود می‌یابد، اصطلاحی که در سنت پدیدارشناسانه و هرمنوتیک هوسرل^۵ و هایدگر به کار می‌رود تا به ویژگی ذاتی بشر اشاره نماید؛ در حالی که معنای اول نزد مارکس^۶ و هگل^۷ ربطی به هرمنوتیک ندارد.

از دیدگاه دیلتای و هایدگر، تاریخی‌گری به معنای تاریخمند بودن فهم‌ها و دانش‌ها و محدود بودن آن‌ها به زمان و مکان است. در سخنی دیگر تاریخی‌گری در معنای دوم، عبارت است از این عقیده که فهم مناسب ماهیت هر چیزی و ارزیابی مناسب از ارزش آن مستلزم بررسی دقیق جایگاه آن و نقشی است که در فرایند تکامل ایفا می‌کند.^۸ به گفته‌ی اشتراوس، هگل به عنوان نماینده‌ی تاریخ‌گرایی نظری و هایدگر به عنوان نماینده‌ی تاریخ‌گرایی اگزیستانسیالیستی، نیاز به فلسفه‌ی کلاسیک را نفی می‌کنند. هگل برای تاریخ شعور قائل می‌شود؛ و هایدگر انسان را محدود به تاریخ و زمانه می‌داند.^۹ اشتراوس^{۱۰} بر همین اساس اعتقاد بر اصول عام دارد و ضرورتی برای مرتبط ساختن اندیشه‌ی سیاسی با بحران‌های سیاسی و اجتماعی نمی‌بیند. در نتیجه تاریخ‌گرایی او در مقابل

¹ Wilhelm Dilthey

² Martin Heidegger

³ Hermeneutics

⁴ Historicity

⁵ Edmund Husserl

⁶ Karl Marx

⁷ Friedrich Hegel

^۸ حسینعلی نودری (ترجمه و تدوین)، فلسفه تاریخ: روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، تهران: طرح نو ۱۳۷۹، ص ۴۸۷.

^۹ پل ادواردز، فلسفه‌ی تاریخ، ترجمه‌ی بهزاد سالکی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۹-۱۷۱.

¹⁰ Leo Strauss